

مبارزه طلبی بنیادگرایانه (اسلام و سیاست جهانی)



انتشارات سر. هابیک (C.H. BECK) مونیخ در سال ۱۹۹۲ میلادی کتابی از بسام طلیبی تحت نام «مبارزه طلبی بنیادگرایانه» انتشار دادند این کتاب مشتمل بر هشت فصل و یک مقدمه است. پیش از آنکه به عنوان نویسنده و سر فصلهای کتاب بپردازیم، نظری به خلاصه زندگینامه بسام طلیبی می افکنیم.

طلیبی در سال ۱۹۴۴ در دمشق متولد شد. وی پروفسور در دانشگاه گوتینگن^۱ در رشته «روابط بین المللی» است و در دانشگاههای آمریکا از جمله هاروارد (سالهای ۱۹۸۲-۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲) و میشیگان سابقه تحقیق دارد. از جمله آثار وی می توان از: ملی گرایی در جهان سوم با نمونه عربی (۱۹۷۱)، از حکومت الهی تا حکومت ملی و اسلام و پان عربیسم (۱۹۹۱) نام برد. وی در مدت جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱-۹۲) برای رادیو و تلویزیون آلمان از جمله کانال دوم (ZDF) و روزنامه های آلمان نظیر «فرانکفورتر آلگماینه» مقاله هایی تهیه کرد.

اهم فصول کتاب جدید «طلیبی» به شرح زیر است:
فصل اول: بنیادگرایی اسلامی: نظم جهانی و نظم جدید خاور نزدیک بعد از جنگ خلیج فارس. (صفحه ۱۵).

الف- در جستجوی نظم نوین جهانی (صفحه ۱۶)

ب- نظم جدید خاور نزدیک بعد از جنگ خلیج [فارس] (صفحه

۲۱)

فصل دوم: چهارچوب تاریخی و ایدئولوژی بنیادگرایی اسلامی. نزاع با تجدد (نوگرایی) (صفحه ۳۵).

الف- بنیادگرایی اسلامی به عنوان یک حرکت اعتراض آمیز متعلق به گذشته و تجدد (نوگرایی) فرهنگی (صفحه ۳۷).

ب- قدرت دوباره سیاسی اسلام بین دین و ایدئولوژی (صفحه ۴۴).

ج- تجدد (نوگرایی) فرهنگی و تسخیر اروپایی جهان (صفحه ۵۰).

فصل سوم: قیام بنیادگرایی اسلامی علیه نظم جهانی (صفحه ۵۷).

الف- بنیادگرایی اسلامی به عنوان اعلام شورش علیه غرب (صفحه

۶۶).

ب- متن تاریخی ادعاهای سیاسی بنیادگرایی اسلامی. حقوق آزاد

مذهبی برای ممانعت از غیر دینی کردن نظم جهانی (صفحه ۷۱).

ج- حکومت الهی اسلامی به عنوان وحدت اسلامی یک نظم جهانی

اسلامی. نظام حکومت اسلامی علیه حکومت غیر دینی (صفحه ۷۹).

د- مبارزه طلبی اسلامی. یک نظم جهانی- اسلامی مقدس به عنوان

جانشین برای تفکیک عمومی دین از دولت (صفحه ۸۶).

فصل چهارم: همزمانی تمامیت خواهی بنیادگرایانه و سقوط فرهنگ

قومی حکومتهای ملی در جهان اسلام:

اسلام و حکومت ملی (صفحه ۱۰۰).

الف- نزاعها و حکومت (صفحه ۱۰۰).

ب- زمینه تاریخی- اسلامی نزاع میان حکومت و نزاعها (صفحه

۱۱۳).

ج- حکومتهای ملی بدون یک جامعه ملی (صفحه ۱۱۹).

فصل پنجم: موضوعات محوری در مبارزه طلبی بنیادگرایانه نظام

حکومت اسلامی، شورا-دموکراسی و به کارگیری شریعت (صفحه ۱۴۲).

الف- حکومت الهی بنیادگرایانه به عنوان یک نظام اسلامی سیاست

اسلامی علیه حکومت غیر دینی (صفحه ۱۴۹).

ب- «نظام سیاسی اسلام» چیست و چگونه می تواند تحقق پذیرد؟

(صفحه ۱۵۵)

فصل ششم: مبارزه طلبی اسلامی در آسیای مرکزی اسلامی بعد از

اتحلال «اتحاد جماهیر شوروی» سابق (صفحه ۱۷۲).

الف- از حانات به سوی جمهورهای شوروی (صفحه ۱۷۷).

ب- سیادت کمونیستی و جامعه اسلامی سازمان یافته قبیله ای

(صفحه ۱۸۰).

ج- نهای آینده: آسیای مرکزی اسلامی میان «پان ترکیسم»، «آیت

الله های ایرانی» و دلارهای نفتی سعودی به کجا می رود؟ (صفحه ۱۸۲).

فصل هفتم: مبارزه طلبی اسلام در الجزایر. آیا الجزایر نمونه ای برای

جهان اسلام محسوب می شود؟ (صفحه ۱۸۹).

الف- ورشکستگی رژیم «جبهه نجات ملی» و مبارزه طلبی

بنیادگرایانه. (صفحه ۱۹۴).

ب- سازمان سیاسی اسلام در الجزایر (صفحه ۱۹۷).

ج- حکومت الهی بنیادگرایانه در مقام یک تعبیر اسلامی دموکراسی

(صفحه ۲۰۱).

د- مسجد، مرکز مبارزه طلبی بنیادگرایانه (صفحه ۲۰۳).

فصل هشتم: ملاحظه نهایی- بنیادگرایی اسلامی در مقام مبارزه طلبی

(صفحه ۲۱۵).

نویسنده در مقدمه کتاب با اشاره به امکانی که برای او در محدوده

زمانی ۱۹۹۱-۹۲ جهت مطالعه در دانشگاه هاروارد آمریکا توسط بنیاد

«فولکس واگن» فراهم آمده بود، اهمیت این مقطع زمانی را از جهت

بین‌المللی و دگرگونی اوضاع جهان می‌نگارد:

«گستره‌های سیاسی جهان در سالهای ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۲ طبق نظر متخصصین سیاست بین‌المللی شاغل در هاروارد به وقایع مهم این قرن اختصاص دارد. مهمترین تغییرات در موقعیت درهم شکسته سیاست جهانی عصر حاضر با سه واقعه کلیدی پیوند خورده است:

- ۱- درهم شکستگی کمونیس و پایان کشمکشهای شرق و غرب مرتبط با آن.

۲- جنگ بین‌المللی خلیج (فارس).

۳- قیام بنیادگرایی اسلامی علیه نظام جهانی بین‌المللی بنیان نهاده شده و پذیرفته و نیز قیام علیه ملاکهای حقوق بین‌المللی معتبر اروپاییان.»

مهمترین بخش مربوط به ایران در صفحه ۱۸۲ کتاب، بخش مربوط به «نمای آینده» است. ترجمه قسمتهایی از این بخش چنین است:

«آسیای مرکزی اسلامی امروزی، بین ایران، عربستان سعودی و ترکیه در نوسان است. نظر به اینکه اکثر مسلمانان آسیای مرکزی ترک هستند، ترکیه در رقابت با دیگران بهترین و مطلوبترین وضع را دارد. حال آنکه ترکیه فقط خود قربانی بنیادگرایی محسوب می‌شود. قربانی‌ای که با مخالفین سیاسی که نفوذ و فعالیتی مخفیانه دارند، تناسب دارد. غیر از آن ترکیه با افراط خود را به عنوان یک کشور پرنشاط اروپایی برای عضویت کامل در جامعه مشترک اروپا نشان می‌دهد. تمهیدات جمهوریهای اسلامی آسیای مرکزی یا تمایلات فرهنگی واحد بنیادگرایانه، چگونه می‌تواند متحمل صدمه‌ای شوند بر خط سیر سیاست خارجی ترکیه تأثیر

خواهد گذارد؟ من مایلیم به این سؤال با کمک بحثی که در اسلو با برخی اتباع مسلمان آسیای مرکزی صورت پذیرفت، پاسخ دهم. این مباحثه در چهارژوب «سمپوزیوم درباره مشکل حقوق بشر» انجام گرفت.

جهان اسلام از زمان انحلال اتحاد جماهیر شوروی آشکارا بزرگتر شده است. در کنفرانسی که از سوی «انستیتی حقوق بشر در نروژ» و با حمایت مالی وزارت امور خارجه نروژ درباره «حقوق بشر در اسلام» برپا گردید، ایضاً دانشمندان ازبکی، قزاقی و نیز مسلمان تاتار نمایندگان داشتند. براساس معلومات اختصاصی، «بختیار کریموف»^۱ عضو آکادمی ازبکی دانشمندان در ترکیه - که هرگز در ترکیه نبوده است - معتقد است: آنکارا بایستی برادران ترک زبان را هدایت و رهبری کند. برای آسیای مرکزی اسلامی یک چنین حقی در ردیف «حقوق بشر» به شمار می‌آید. وقتی اروپاییان درباره «حقوق بشر در اسلام» سخن می‌گویند، به «قاعده حقوق فردی بشر» نظر دارند. درست مانند آنکه این حقوق در «طرح فرهنگی اروپایی نوین» بسط و گسترش یافته باشند.

نویسنده در ادامه این بخش به نکات جالبی از مسائلی که «ولفگانگ گوتترلرش»^۲ پیرامون سؤال مطروحه بالا عنوان کرده است اشاره می‌کند و چنین می‌نگارد:

«ولفگانگ گوتترلرش»^۳ بحق متذکر ظهور نیرومند ترکیه در سیاست جهانی از زمان انحلال اتحاد جماهیر شوروی شده است. ترکیه هم‌زمان با تلاشهای الحاق خود به جامعه اروپا تحت فشار است که «تمهیدات پان ترکسیم» شود را انکار نماید. پژواک «پان ترکسیم» در واقع از ناشکند و بخارا برمی‌خیزد و نه از آنکارا. ملل آسیای مرکزی - که پس از آزادی خود از اتحاد جماهیر شوروی کمونیس در جستجوی هویت جدید هستند - گمان می‌کنند آینده‌شان به ترکیب و نتیجه حاصله از «اسلام» و «پان ترکسیم» وابسته است. لرش آلمانی، تنها روزنامه‌نگار متخصص مربوط به امور شرق با آگاهیهای زبانی و فرهنگی اسلامی مناسب، نظر خود را به «رقابت ایران» در این میان معطوف می‌سازد و مسئله تحریک جدید جامعه از طریق ترکیه، ایران و پاکستان را که در فوریه سال ۱۹۹۲ مشترکاً ظاهر شدند، خاطر نشان می‌سازد. با فرارسیدن این ماه، این جامعه، به کشورهای اسلامی آذربایجان، ترکمنستان، و ازبکستان تقسیم و گسترش یافت. در آینده‌ای نه چندان دور محتمل است که قزاقستان، گرجستان و تاجیکستان به این جرگه درآیند. آنگاه وحدت و یگانگی در میان حدود سیصد میلیون مسلمان پدید می‌آید که براساس تصورات تهران باید به یک جامعه اسلامی کارا مبدل شود، جامعه‌ای که پیروزمندان با غرور رقابت می‌کند. اگر این جامعه به دست ایران بیفتد، در آن صورت از آن، نفوذ جریان بنیادگرایانه در آسیای مرکزی استنباط می‌شود. از این دیدگاه آنکارا ممکن است به دلیل شرایط فعلی مانع از نقش جدید ایران شود که از خطر بی‌رنگ نشدن اسلام بنیادگرایانه حمایت می‌کند.

کتاب در قطع رقعی با بیش از ۲۷۰ صفحه و بهای ۲۲ مارک به بازار کتاب آلمان عرضه شده است.



1- Die Fundamentalistische Herausforderung Der Islam und die weltpolitik.

2- Bassam Tibi

3- Bachtijar karimor

4- Wolfgang Gunterlerch